

فصل اول

خدا شما را دوست دارد

«زیرا خدا بقدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد» یوحنا 3:16

خدا می خواهد تا خانواده ای داشته باشد پس او ما را آفرید تا فرزندان او باشیم. او نمی خواهد تا ما مانند کودکان رفتار کنیم بلکه می خواهد همانند فرزندان او رفتار کنیم. او می خواهد تا به وی تکیه کنیم. به وی متکی باشیم. به او توکل کنیم، او را محبت کنیم و اجازه بدهیم تا او ما را محبت کند. او از ما می خواهد تا به او توکل کنیم و هرگاه نیازی داریم به او متوسل شویم. او می خواهد تا شخصاً با شما رابطه داشته باشد. بسیاری از ما آیه ای را که در بالا ذکر شده به معنایی خیلی کلی درک می کنیم و می اندیشیم: «بله، می دانم که عیسی بخاطر جهان جان خود را فدا کرد.» اما ما صرفاً گروهی عظیم از

انسانها نیستیم که عیسی بخاطر ما جانش را فدا کرد: او بخاطر هر یک از ما جان داد. او بخاطر شخص شما جان داد! اگر شما تنها انسانی بودید که در این جهان می زیست، او صرفاً بخاطر شما جان فدا می کرد. او بخاطر شخص شما همه درد و رنج را تحمل نمود. او بخاطر شما مرد! خدا شما را خیلی دوست دارد. او شما را با محبتی ازلی دوست دارد. روزی زمانیکه در حال رانندگی بودم خدا با قلبم سخن گفت و فرمود: «جویس تو همچون مردمک چشم برایم عزیز هستی.» من در آن زمان حتی نمی دانستم که چنین آیه ای در کتاب مقدس وجود دارد. در این لحظه شیطان هم این مسئله را به ذهنم آورد: «فکر نمی کنی این فکر غرورآمیز است؟ فکر می کنی کی هستی؟» پس با خودم اندیشیدم: «اوه من نباید اینطور فکر کنم.» درک این نکته که ما اشخاص منحصر بفرد هستیم. دارای قابلیت‌هایی خاص خودمان هستیم و متفاوت از دیگرانیم برخلاف تفکر نفسانی ماست. هر یک از ما شخصیتی متمایز هستیم که توسط پدر آسمانیمان آفریده شده ایم تا متفاوت از دیگری باشیم.

هنگامی که در این موضوع می اندیشیدیم خدا تصویر زنی را به ذهنم آورد که در مغازه میوه فروشی در کنار سبد سیبها ایستاده است. او نگاهی به سیبها انداخت و سیبی را که بهتر از دیگر سیبها بود یافت و سپس دستش را بسوی بهترین سیب دراز کرد. آنچه خدا می خواست به من بگوید این بود که من برای تو به منزله بهترین سیب هستم. من آن سیب مخصوص هستم. این موضوع ظاهراً درست بنظر نمی رسد اما در واقع خدا به هر یک از ما دارد این موضوع را می گوید. البته منظور این نیست که خدا به شما می گوید که شما شخصی کامل هستید و دیگران نیستند. بلکه خدا می خواهد به ما بگوید که هر یک از ما موجودی منحصر بفرد و خاص هستیم. این موضوع در کلام او مکتوب است و کلام خدا برای هر یک از ماست. شما همچون مردمک چشم خدا برای او ارزش دارید.

من نمی توانستم آنچه را که خدا می خواست به من بگوید بشنوم و درک کنم زیرا بخاطر داشتن چنین طرز تفکر زیبایی در مورد خودم، خود را محکوم می کردم. چند روز بعد کتاب مقدس را باز کردم و چشمم به آیه هشتم از

مزمور 17 افتاد: «از من مانند مردمک چشمت مواظبت نما و مرا زیر سایه بالهای خود پنهان کن.» با خود گفتم: «اوه چقدر عالی. پس من واقعاً همانند مردمک چشم خدا هستم.» برای مدت زمانی طولانی هرگاه در این مورد می اندیشیدم احساس مطبوعی به من دست می داد.

در قلب همه انسانها اشتیاق و میلی شدید به اینکه دوست داشته شوند وجود دارد. خدا ما را بدین شکل آفریده است. بسیاری از اشخاص باور دارند که خدا جهان را دوست دارد و نیز او عیسی را دوست دارد اما آنها در باور به نکته که خدا آنها را دوست دارد، دچار مشکل جدی هستند. اما کلام خدا تعلیم می دهد که خدا همانقدر که عیسی را دوست دارد آنها را نیز دوست دارد. او همانقدر شما را دوست دارد که عیسی را دوست دارد. بیایید نگاهی به انجیل یوحنا باب 5 آیه 20 بیندازیم.

«زیرا پدرم خدا مرا دوست دارد و هر چه می کند به من می گوید من معجزه های خیلی بزرگتر از شفای این مرد انجام خواهم داد.» خدا به ما می گوید که این اعمال عظیم را توسط عیسی انجام می دهد. ما این آیات را

چنین می گویم چون باید برای جویس، بتی، دانیال و... (نام خود را می توانی در این قسمت ذکر کنید.) لحظه ای تامل کنید و در این مورد بیندیشید. آفتاب هر روز بخاطر شما در آسمان طلوع می کند. بله آفتاب! و این امر برای ما موضوعی پیش پا افتاده و بدیهی است. ما می دانیم که خورشید هر روز طلوع خواهد کرد، اما در حقیقت خورشید برای شما طلوع می کند. هنگامی که باران در زمان مقرر می بارد در حقیقت برای شما می بارد. هنگامی که برف می بارد برای شما می بارد. خدا شما را تا این حد دوست دارد.

در کتاب تثنیه 9:7 چنین آمده است: «پس بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند خدایتان است و او همان خدای امینی است که تا هزاران نسل وعده های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی که او را دوست می دارند و دستوراتش را اطاعت می کنند محبت می نماید.»

فکر می کنید اینکه محبت خدا هزاران نسل را بگیرد، ناممکن است؟ او خدای ازلی و ابدی است و محبت او نامحدود است. بسیاری از ما فکر می

از کتاب مقدس می خوانیم خدا می خواهد تا اعمال عظیمی را که او توسط عیسی انجام می دهد ببینیم و بگوییم: «خداوندا چه اعمال عجیبی توسط عیسی انجام می دادی!» سپس خدا از ما می خواهد تا یوحنا 12:14 را بخوانیم که در این آیه عیسی می گوید: «هر که به من ایمان بیاورد می تواند همان معجزاتی را بکند که من کرده ام و حتی بزرگتر از اینها نیز بکند چون من نزد پدرم باز می گردم.» خدا همان کارهایی را که عیسی انجام داد توسط شما هم انجام خواهد رسانید و حتی اعمال بزرگتری را می توانید انجام دهید زیرا عیسی به نزد پدر رفته است. آیا به این حقیقت ایمان دارید؟ آیا واقعاً ایمان دارید که خدا شما را دوست دارد و شما را بکار خواهد گرفت. روزی وقتی که در حال مطالعه کتاب مقدس بودم خدا به من گفت: «جویس من هر روز برای انسانها کارهای زیادی انجام می دهم چون آنها را دوست دارد و آنها متوجه این اعمال نمی شوند. آنها به هیچ وجه متوجه محبت من و این اعمال نمی شوند. فقط نمونه ای را برای ذکر می کنم. هر روز که به آفتاب می گویم که طلوع کند به او

کنیم که با خطاها و قصوراتمان باعث می شویم تا خدا ما را محبت نکند. اما شما نمی توانید مانع از جاری شدن محبت شوید. نمی توان جلوی محبت خدا را گرفت. محبت عملی نیست که خدا انجام می دهد. محبت ذات و شخصیت اوست. حتی فاسدترین و گناهکارترین شخصی که تاکنون بر کره خاکی زیسته است و خطاب به عیسی چنین گفته: «نمی خواهم کاری به کارم داشته باشی. من از رفتن به جهنم خیلی هم راضی ام.» خدا چنین شخصی را نیز دوست دارد. پس چگونه او اشخاصی را که انتخاب کرده و برای انجام اهدافش در نظر گرفته دوست نخواهد داشت؟

ممکن است بگوییم: «من عیسی را در قلب خود پذیرفته ام و او را دوست دارم.» اما سؤال من از شما این است: «چقدر باور دارید که خدا شما را دوست دارد؟»

این است پیام ساده ای که واقعاً به آن احتیاج دارید:

«خدا شما را دوست دارد و این حقیقت بنیادینی است که باید خدا در شما جا بیندازد تا براساس آن بتوانید هر حقیقت دیگر را بجوی درک کنید.»

اگر نتوانید این حقیقت را بپذیرید که خدا شما را دوست دارد، اگر چیزهای دیگری را آموخته اید و یا بشکل جدی در حال مطالعه و آموختن حقایق الهی هستید کمک زیادی به شما نمی کند. محبت خدا نسبت به شما بنیان و اساس ایمان شماست و نیز عامل مهمی است که به شما کمک می کند تا از گناه آزاد شوید و بدون ترس و واهمه به دیگران خدمت کنید.

آیا از محبت خدا نسبت به خودتان برخوردار شده اید.

خدا شما را دوست دارد.